



روشن تو بگیرند استقامت را
به فصل تازه تاریخ، دست زرمنده
به خط زربنویسد، خجسته نامت را
سفرار تو ای قهرمان آزادی
به یاد کار خروزند مشعل جاوید
در آن سپیده دمانی، که آرزویت بود
به کام مردم زرمنده، سرزند خورشید

هزار سال اگر پست زندگی می کرد
نداشت ارزش یک دم که باشی جان داد
بجواب آرام ای قهرمان آزادی
که خمرک تو، از زندگی است زیباتر
رسد چو روز بهین، نسل نامی آینده
به افتخار تو سازند پیکر مرم
به خون پاک تو سگند مردم ایران

تساره مرد و شب اضرو و شمع شد خاموش
برای آن که بر آید سپیده گل رنگ
پهپه میوز سحر، کاروان به راه افتاد
سینه جوی و دلاور
برمی زیم و درنگ
عقاب سرکش مغرور در دل تو جان
پیدا تا افق دور، پر زرد و افتاد